

## « بررسی توبه در شعر عطار نیشابوری »

دکتر رضا اشرف زاده<sup>۱</sup>

مژگان حاجت پور بیرگانی<sup>۲</sup>

قال الله تعالی: و توبوا الی الله جمیعاً ایها المؤمنون لعلکم تفلحون (قرآن، ۲۴/۳۳)  
و بازگردید به سوی خدا همگی ای مومنان شاید که رستگار شوید.

### چکیده

توبه به عنوان یکی از موضوعات تربیت اسلامی در قرآن مورد تأکید قرار گرفته است و در نتیجه ی این باور دینی و عقیدتی شعرا و نویسندگان نیز خواه ناخواه به آن پرداخته اند. و در آثار ادبی این تأثیرات به روشنی مشخص می باشد. آثار عرفانی تا قرن ششم تحت تأثیر احادیث و قرآن بوده اما پس از آن بیشتر از فلسفه و عقاید فلسفی بهره گرفته است. توبه در معنای بازگشتن و اولین منزل در مقامات هفت گانه ابو نصر سراج آمده است. همچنین اولین میدان در «صد میدان» خواجه عبدالله انصاری توبه می باشد. عطار در مصیبت نامه توبه را این گونه تعریف می کند:

توبه چیست این جمله را در هم زدن خیمه زین عالم بدان عالم زدن دیدگاه زاهدانه ی عطار در سایه ی اشارات قرآنی و احادیث کاملاً مشهود است. این پژوهش در نظر دارد توبه را در آثار عطار مورد بررسی قرار دهد.

### کلید واژه:

توبه، عرفان، تربیت اسلامی، قرآن

۱ - (استاد راهنما)، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد  
۲ - دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد (رساله ی دکتری)، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج دانشکده ی زبان و ادبیات فارسی

نشانی الکترونیکی: zartoshtariya@yahoo.com

## مقدمه

«توبه اولین مقام سیر طالب است و آن عبارت از یک نوع انقلاب حال و تحولی است در طالب و ابتدای حیات تازه ئی است.» (غنی، ۱۳۲۲: ۲۱۷) به هر حال گناه، آن چیزی است که انسان را از خدا دور سازد و هر چیزی که سبب دوری انسان از حضرت حق گردد نامبارک و شوم است. رنج از گناه، جوانه‌ی توبه است و توبه ندامت از گناه است. خود را به حق متصل نمودن و اظهار عجز کردن است؛ تکیه دادن به ستونی است که دل را سبک می‌کند و به آن پرواز می‌دهد. توبه به لحاظ سلامت روانی گونه‌ای برون‌ریزی عاطفی است که به انسان کمک می‌کند به تعادل روانی برسد و فشارها و اضطراب‌های عاطفی خویش را کاهش دهد. در اهمیت توبه همان بس که در قرآن سوره‌ای با همین نام در ۱۲۹ آیه آورده شده است.

توبه کردم تا به روز مردنم نیست کار الا که فرمان بردنم

(مصیبت نامه، ص ۲۷۰)

عطار توبه را در گرو گذشتن از این دنیا و در نظر گرفتن دنیای دیگر، می‌داند. پس در بند تعلقات دنیوی بودن را مقدمه‌ی گناه می‌شمرد و گذشتن از آن را، مقدمه‌ی توبه می‌داند.

«توبه به حقیقت رجوع است... فاما در عرف و شریعت توبه رجوع است از معاصی و ذنوب» (مستملی بخاری؛ ۱۳۷۳: ۱۲۰۹) ذوالنون می‌گوید: «گفت توبه‌ی عام، از گناه بازگشتن است و توبه‌ی خاص از غفلت بازگشتن است و توبه‌ی انبیاء علیهم الصلوٰة و السلام آن است که عجز خویش ببیند از رسیدن به جایی که غیر ایشان رسیده باشند. اما توبه‌ی عام از گناه آن باشد که معصیت به جای بگذارد هم به فعل ظاهر هم به نیت باطن.... اما توبه‌ی خاص از غفلت آن باشد که هر گاه که سرّ ایشان طرفتی یا لحظتی به غیر حق مشغول گردد هم به آن مقدار از حق سبحانه غافل گردند و از آن



نامه، جنبه‌ی تاریخی آن پررنگ نیست و هدف اصلی و قصد شاعر فایده‌های اخلاقی و تربیتی داستان است. عطار در اشعارش به دو شکل مباحث دینی را مطرح می‌کند؛ یکی از زبان پیامبر و بزرگان دینی و دیگری مباحث نظری دینی او است. یکی از آن مباحث نظری دینی، توبه است. از آنجایی که دنیا محض حق است پس هر گناهی بی حرمتی و اهانت به خداست و نشانه‌ی کفر است و مستلزم توبه است. استاد وب می‌گوید: «گناه عبارت است از خضوع اراده‌ی انسانی در برابر شهوات فرودین در حالی که راه به اختیار افعالی دیگر گشوده باشد» (نیکلسون، ۱۳۸۲: ۱۰۴)

با توجه به قرآن و احادیث و اقوال بزرگان دینی و جوب توبه امری قطعی و حتمی است و همگی در این مورد متفق القول می‌باشند.

شیخ گاه توبه را به صورت نماد و با معانی کنایی به کار می‌برد مانند: گریستن که کنایه از توبه است:

تو را ره می‌زند وز درد این کار      دو چشمت همچو ابری گشت خونبار  
گر آدم را که در یک دانه نگریست      به سیصد سال می‌بایست بگریست  
بین ابلیس را در لعن و در رشک      ز دیده چند باید ریختن اشک؟  
(الهی نامه، ص ۲۱۲)

به جز این موارد که توبه توسط شیخ به گونه‌ی کنایی و نمادین آورده شده است؛ عطار کاربردها و نگرش‌های خاص دیگری نیز برای توبه در اشعارش در نظر دارد؛ که در این مجال به آن پرداخته خواهد شد.

### نگرش عطار در زمینه‌ی توبه

۱. حضرت آدم و حوا اولین تواین هستند زیرا بعد از نافرمانی کردن از حضرت حق توبه کردند. خدا توبه‌ی ایشان پذیرفت اما آنها را از بهشت بیرون کرد. در



گهی در سینه‌ی مردم ز خنّاس  
 نهم صد دام رسوایی ز سواس  
 گهی صد گونه شهوت در درونش  
 برانگیزم شوم در رگ چو خونش  
 گهی از بهر طاعت خوانمش خاص  
 و زان طاعت ریا خواهم نه اخلاص  
 هزاران جادویی دارم دگرگون  
 که مردم را برم از راه بیرون  
 (الهی نامه، ص ۲۱۱)

در این داستان عطار معتقد است که آدم و حوا بعد از توبه نیز دچار تلبیس شیطان گردیده‌اند و این دیدگاه وی بسیار بدیع و تازه می‌نماید چرا که دیگر شعرا و نویسندگان به این مطلب اشاره‌ای ندارند.

در این نمونه محل شیطان را در درون انسان می‌داند:

چو شیطان در درونت رخت بنهاد  
 به سلطانی نشست و تخت بنهاد  
 (همان، ص ۱۰۳)

در ادامه شیخ اینگونه بیان می‌دارد که به هر حال شیطان از ره هر آرزو و امّلی می‌تواند در درون انسان رخنه کند هر چند توبه کرده باشد؛ بنابراین انسان باید آگاهی داشته باشد و بداند، همان گونه که شهوت در خون انسان آمیخته است، شیطان نیز در خون او جاری است. پیامبر اکرم ص می‌فرمایند:

«شیطان مانند خون در رگ و ریشه‌ی آدمی جریان دارد، پس با گرسنگی راه‌های او را تنگ سازید» (حکیم مولی محسن فیض کاشانی: ۳۶۹، ۱۳۸۵)  
 و از دیگر سخنان آن حضرت است که فرموده‌اند: «هیچ کدام از شما نیست مگر آنکه او را شیطانی است.»

(همان، ۳۷۱)

جنگ و مقاومت، با این آمیخته با خون کاری بس مشکل است و در این راه همتی دوجندان ضروری است. و شیخ چه زیبا این دو حدیث را در این قسمت آورده است و به آنها اشارت دارد. و صراحتاً پنهان بودن ابلیس در درون انسان را

با اشاره به سوره «ناس» بیان می دارد:

بسم الله الرحمن الرحيم

قل اعوذ برب الناس\*مَلِكِ الناس\*إِلَهِ الناس\*من شرالوسواس الخناس  
\*الذی یوسوس فی صدورالناس\*من الجنه والناس\*

ابلیس از در توبه در نیامد و گفت: تو مرا گمراه کردی و من هیچ تقصیری ندارم و به جبر گرایید و اختیار از خود سلب کرد و خودبینی و سرکشی او موجب دوری و لعنت گردید. (کشف الاسرار، ج ۳، ۵۷۳-۸۰) شیطان در ابتدا نافرمانی می کند و از گناهش توبه نمی کند و این کردار در برابر معشوق نشانه ی بی صدقی است، چراکه صدق در عشق تسلیم محض عاشق است در برابر معشوق.

۲. اگر یاری خدا نباشد توبه ی خالص نیز شکسته می شود. چرا که خداوند بر هر کاری توانا ست و هیچ امری نیست که به اذن او صورت نپذیرد. خدا اگر اراده کند که بنده ای توبه ی خویش بشکند آن عمل انجام می شود تا حکمت الهی بدین واسطه محقق گردد. در ارتباط انسان با خدا در باب توبه و حفظ توبه نیز حق باید یاری کند و گرنه انسان عاجز کجا و تایب باقی ماندن کجا. در قرآن، به توبه ی همراه با اخلاص، اشاراتی دارد چنانکه خداوند می فرماید:

یا ایها الذین امنو توبوا الی الله توبهً نصوحاً عسی ربکم ان یکفر عنکم سیئاتکم.....

(قرآن ۶۶/۸)

ای مؤمنان! به درگاه خدا توبه نصوح (با اخلاص و دوام) کنید باشد که پروردگار

گناهانتان را مستور و محو گرداند!

\* «ثم يتوب الله من بعد ذلك على من يشاء والله غفور رحيم» (قرآن ۹/۲۷)  
 سپس توبه می پذیرد خدا پس از آن، از هر که خواهد و خدا آمرزنده ی مهربان است.

\* «و يذهب غيظَ قلوبِهِم وَيَتُوبُ اللهُ عَلَى مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ»  
 (قرآن ۹/۱۵)

و بردارد خشم را از دل‌های ایشان و توبه پذیرد خدا از هر که خواهد و خداست دانای حکیم.

عطار نیز این مطالب را به وضوح در شعر خویش می آورد همانگونه که مولانا بر این موضوع نظر دارد که صدها توبه صادقانه می تواند با سنگ تو شکسته گردد.

صد توبه به یک نفس شکستن      صد پرده به یک زمان دریدن

(دیوان عطار، غزل ۶۵۰)

هر گاه که زلف او نهد جررم      صد توبه به یک گناه برگیرد

(همان، غزل ۲۲۳)

همین ویژگی را نیز مولانا در غزلیات شمس بیان می دارد:

بس توبه ی شایسته، بر سنگ تو بشکسته بس زاهد و بس عابد کاو خرقه درید آمد

(غزلیات شمس، غزل ۲۱۹)

ای تو به ام شکسته، از تو کجا گریزم      ای در دلم نشسته از تو کجا گریزم

(همان، ۶۳۷)

مولانا نیز معتقد است که توبه از جانب حق قابل سوختن و از بین رفتن است و اگر خدا یاری ندهد توبه خالص نیز شکسته خواهد شد.

در شرابم چیز دیگر ریختی، در ریختی      باده تنها نیست این، آمیختی، آمیختی

بار دیگر توبه ها را سوختی، در سوختی      بار دیگر فتنه را انگیختی، انگیختی

(همان، ۹۷۳)





راستی پیش آر یا خاموش کن  
و آن گهان رحمت بین و نوش کن  
(مثنوی، ۳/۷۵۱)

حضرت علی (ع) می فرماید: «التوبه علی اربعه دعائم: ندم بالقلب، و استغفار باللسان، و عمل به جوارح و عزم لایعود» (نمازی، شاهرودی؛ ۱۳۷۶ ج ۱: ۴۹۲)  
(توبه بر چهار رکن استوار است: پشیمانی قلبی، استغفار به زبان، عمل به جوارح، عزم در بازگشت نکردن به گناه.)

«والذین عملوا السيئاتِ ثم تابوا من بعدها وءامنوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ»  
(قرآن: ۷: ۱۵۳)

و آنان که بدیها کرده اند سپس توبه کردند و ایمان آورده اند مسلماً پروردگار تو پس از آن، آمرزنده ی مهربان است.

شیخ در این جا آغاز ایمان را با پشیمانی از گناه و توبه می داند.

ایمان به توبه و به ندم تازه کرده اند وین تازه را لباس ز تقوی نهاده اند

(دیوان عطار، غزل ۲۸۷)

کفر برخاست از ره و ایمان نشست بُت پرست روم شد یزدان پرست

(منطق الطیر، ص ۳۰۰)

۴. توبه را در زمانش باید انجام داد و امروز و فردا کردن در توبه و پشیمانی از کردار زشت، جایز نیست. زمانی توبه معنا می یابد که توانی در انجام گناه است نه زمانی که انسان قادر به گناه نباشد.

«إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهْلَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ فَأُولَئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا\*» وليست التوبه للذين يعملون السيئات حتى احضر أحد هم الموت قال إني تبت الثن ولا الذين يموتون و هم كفار اولئك أعتدنا لهم عذابا أليما» (قرآن ۴/۱۷ و ۱۸)



اما این کاملاً با آیه ی فوق در تضاد است و عطار سعی دارد توبه ی درست و حقیقی را در قالب حکایات بازگو کند تا مخاطب خویش را از چگونگی حقیقتِ توبه ی حقیقی آگاه نماید.

از خطای نفس خود تا چند بینی اضطراب  
رو درین وادی چو اشتر باش و بگذر از خطا

(قصیده ۷، ص ۷۷)

۵. توبه چون آتش است که گناهان را می سوزاند و اگر انسان صد گونه گناه داشته باشد تمامی آن ها را از بین می برد. در احادیث آمده است که توبه کننده مانند کسی است که گناهی نکرده است: التائب من الذنب کمن لا ذنب له (غزالی، ۱۳۵۷: ۴۳) «انس بن مالک گوید از پیغمبر صلی الله علیه واله و سلم شنیدم که گفت: تائب از گناه همچنان بود کی گناهی نکرده است» (قشیری: ۱۳۶، ۱۳۴۰)

آن غبار اکنون زره برخاسته ست      توبه بنشسته گنه برخاسته ست  
تو یقین می دان که صد عالم گناه      از تف یک توبه برخیزد ز راه  
(منطق الطیر، ص ۲۹۹)

آتش توبه چو بر افروزد او      هر چه یابد جمله برهم سوزد او  
(همان، ص ۳۰۰)

۶. خدا توبه کنندگان را دوست دارد و همواره بندگان را به توبه و بازگشت از گناهان فرا می خواند و خدا توبه پذیر است. حال این سؤال مطرح می شود که آیا قبول توبه بر خداوند متعال واجب است؟ یا این که قبول توبه، تفضل و کرمی از جانب خداوند است که شامل حال بنده ی گناهکار شده است.

«معتزله معتقدند که قبول توبه بر خداوند واجب است. و اشاعره معتقدند که خداوند

توبه ی بندگان را از روی تفضل و کرم می پذیرد.» (شیخ بهایی، اربعین، ص ۳۲۸)  
در بیت زیر عطار به این مطلب اشاره می کند (در احادیث آمده) که خداوند هر







و هوشیار نیست چه می داند که درست و غلط کدام است که از آن توبه تواند. شیخ خود را اهل سکر و عشق می داند. در مقام عشق الهی قطبیتی باقی نمی ماند؛ عاشق حلاج وار انا الحق می زند؛ تمامی حق است و سخن از خویش و هر آنچه خویشتن را با یاد آورد فراق از حق و معشوق است، پس توبه از توبه کردن را اصطلاح قرار می دهند تا این گونه فنای فی الله را به وضوح بیان کنند.

اگر گم بودن خود یاد داری      روا باشد که از وی یاد آری  
ولی تا از خودی سدّیت پیش است      اگر یادش کنی آن یاد خویش است  
(الهی نامه، ص ۲۰۷)

از توبه و زهد توبه ها کرد      مؤمن شد و کافری برآورد  
(دیوان عطار، غزل ۲۱۷)

چند ازین نام و ننگ و زهد و زتزویر      توبه کن از توبه دل بتاب در افکن  
(دیوان عطار، غزل ۶۵۶)

توبه بشکن تا درست آیی زکار      چند گویی توبه ای دارم نصوح  
(دیوان عطار، غزل ۱۴۷)

پرده ی پندار می باید درید      توبه ی ازهاد م‌باید شکست  
(دیوان عطار، غزل ۵۲)

از توبه و زهد توبه ها کرد      صافی شد و دلبری برآورد  
(دیوان عطار، غزل ۲۱۷)

گفت رخم بین که گر از عشق من      توبه کنی توبه بتراز گناه  
(غزل ۷۰۵، ص ۵۴۷)

ابو نصر سراج اولین مقام را مقام توبه آورده است توبه کردن و تائب شدن نشانه ی هوشیاری است پس از نشانه های صحو می باشد وی می فرماید: «درباره ی توبه مریدان و طالبان و نو سالکان که گاهی توبه به سودشان و گاهی به زیانشان است... تایبان چند





خشم الهی است اما اندیشه‌ی، صوفیانه امید به رحمت او. در شعر عطار جز مطلب سکر و عدم تناسبش با توبه که صوفیانه است در باقی موارد دیدگاهی کاملا زاهدانه دارد و اثبات این مدعا آیات و روایاتی است که بر اساس آن موضوعات دینی را بیان نموده است. اصولاً طرح موضوعات دینی همانند تمامی قوانین دیگر از موضوعات خشک و خشن است و گوینده‌ی آن باید تبصری خاص در بیان آن‌ها داشته باشد تا شنونده را به آن قوانین و شنیدن آن‌ها مشتاق نماید. عطار در راستای این رسالت خطیر نه تنها از زبان ساده و گفتاری همه فهم سود جسته آن را به شیرینی حکایات آمیخته و با آیات و روایات مزین نموده است.

اما دیدگاه زاهدانه‌ی عطار نیز با دیگران متفاوت است وی خشم خدا را به تصویر نمی کشد وی رحمت حق را بیان می کند و انسان گنه کار را به سوی او و رحمتش راهنمایی می کند (الهی نامه، ۲۷۴) وی در این دیدگاه نیز نوآور است او دائماً انسان را از نفس خویش می هراساند و به رحمت و توبه پذیر بودن خداوند تأکید دارد (منطق الطیر، ص ۲۹۹). او نیز معتقد است «از ماست که بر ماست» و خداوند جز خیر و نیکی نیست و جز خیر و نیکی برای بنده نمی خواهد. و خورشید کرمش بر گناهکار و بی گناه یکسان می تابد. او می گوید: اگر انسان گناهی کند و بعد توبه کند هر چند توبه اش پذیرفته می شود اما خسران و زیانی که از بابت آن گناه بر او وارد آمده از بین نمی رود. پس بهتر است که انسان برای حفظ سلامت روانی خویش مرتکب گناه نشود. (اسرارنامه، ص ۱۴۲)

می بینیم که عطار بر وجوب توبه معتقد است اما بیش از آن بر وجوب پرهیز از گناه اعتقاد دارد. او روانشناسانه در پی پیشگیری است و معتقد است سلامت روانی باید حفظ شود. اما اگر انسان به هر دلیلی گناهی مرتکب شود واجب است که توبه کند و خداوند توبه پذیر است. عطار، در حکایت مرد توبه شکن در منطق الطیر این مطلب را به خوبی بیان می کند.



### منابع

۱. بخاری، خواجه امام ابو ابراهیم اسماعیل، (۱۳۶۳) شرح التعرف لمذهب التصوف، محمد روشن، تهران، انتشارات اساطیر.
۲. بهاء الدین (شیخ بهایی)، محمدبن حسین عاملی، اربعین، چاپ سنگی، کتابخانه مدرسه عالی شهید مطهری
۳. حسنی، علیرضا، (۱۳۷۷) توبه در قرآن و سنت، رایزن، تهران، چاپ اول.
۴. زمانی، کریم، شرح جامع مثنوی معنوی، انتشارات اطلاعات، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۹
۵. سراج طوسی، ابونصر (۱۳۸۲) اللمع فی التصوف، مهدی محبتی، تهران، اساطیر، چاپ اول
۶. صدری نیا، باقر (۱۳۸۸) فرهنگ مأثورات متون عرفانی، تهران، سخن، چاپ اول.
۷. عطار نیشابوری، فریدالدین (۱۳۸۶) اسرارنامه، تهران، سخن، چاپ دوم.
۸. -----، (۱۳۸۳)، تذکره الاولیا، رینولد نیکلسون، تهران، میلاد، چاپ اول
۹. -----، (۱۳۸۶) دیوان عطار، تهران، نگاه، چاپ ششم.
۱۰. -----، (۱۳۸۶) مصیبت نامه، تهران، سخن، چاپ دوم.
۱۱. -----، (۱۳۸۷) الهی نامه، تهران، سخن، چاپ سوم.
۱۲. -----، (۱۳۸۷) منطق الطیر، تهران، سخن، چاپ پنجم.
۱۳. غزالی، ابوحامد محمد، (۱۳۵۷)، احیاء علوم دین ج ۷ ق ۱۰، به کوشش حسین خدیو جم، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، چاپ اول.
۱۴. غنی، قاسم، (۱۳۲۲) تاریخ تصوف اسلام، تهران، زوار، چاپ اول
۱۵. فروزانفر، بدیع الزمان، (۱۳۳۹) شرح احوال و آثار عطار نیشابوری، انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۳۹-۴۰.

۱۶. فیض کاشانی، مولا محسن، (۱۳۸۵)، علم الیقین، حسین استاد ولی، تهران، حکمت، چاپ دوم.
۱۷. قشیری، ابولقاسم، (۱۳۴۰) ترجمه رساله قشیریه، بدیع الزمان فروزان فر، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول.
۱۸. کاظم معزی، محمد، رامیار، محمود، (۱۳۸۷)، قرآن کریم، تهران، صابری، چاپ دوم.
۱۹. مولوی، جلال الدین محمد، (۱۳۸۷) غزلیات شمس، محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، سخن، چاپ سوم.
۲۰. نمازی شاهرودی، علی، (۱۳۷۶) مستدرک سفینه البحار، موسسه النشر اسلامی، قم.
۲۱. نیکلسون، رینولد، (۱۳۸۲)، رابطه انسان و خدا نیکلسون، محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، سخن، چاپ سوم